| تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۷/۸ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۹/۲۵ |

مقایسهٔ تطبیقی مبانی و اصول توسعهٔ پایدار شهری با اصول شهرسازی اسلامی

مرتضی میرغلامی

دانشیار طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز. تبریز. ایران.

m.mirgholami@tabriziau.ac.ir

محمد رامین رحیمیان

دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز. تبریز. ایران.

r_rahimian69@yahoo.com

چکیده

پس از فراگیرشدن دین مبین اسلام و تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن ساکنان شهرها، سکونتگاه‌ها و محیط‌های ساخته‌شده‌ای در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به منصهٔ ظهور رسید که امروزه از آن‌ها با عنوان «شهر و شهرسازی اسلامی» یاد می‌شود. شهر اسلامی دارای صفات و ویژگی‌های مختلفی در ابعاد کالبدی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و فرهنگی است که در مطالعات و بررسی‌های گوناگون به آن‌ها اشاره شده است. با ظهور مدرنیسم و فراگیرشدن آن در سراسر جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی درحال‌توسعه، تقلید و توسعهٔ برون‌زا در این شهرها باعث ایجاد ناپایداری در محیط‌های شهری این سرزمین‌ها شده است. با مطرح شدن نظریهٔ توسعهٔ پایدار در اواخر قرن بیستم و درپی آن شهرهای پایدار، جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و کالبدی منتج از آن‌ها، به‌طور جدی در معماری و شهرسازی معاصر مورد توجه قرار گرفته است. سؤال اصلی تحقیق این است که مبانی توسعهٔ پایدار شهری، به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و کالبدی، از چه پارادایم فکری نشئت می‌گیرد و تا چه حد با اصول شهرسازی اسلامی انطباق دارد؟ و آیا این ادعا که توسعهٔ پایدار شهری همان شهرسازی اسلامی است صحت دارد یا خیر. تحقیق حاضر از نوع تحقیق‌های بنیادین است و با روش

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

توصیفی تحلیلی و مقایسهٔ تطبیقی صورت گرفته است که در آن ضمن تشریح اصول مطرح در شهر اسلامی و نیز ماهیت توسعهٔ پایدار و بعد اجتماعی و کالبدی آن، به تحلیل و مقایسهٔ آن‌ها پرداخته شده است و با درنظرگرفتن نقاط قوت هرکدام در ساخت شهرها، به تبیین اصول و راهکارهایی جهت تحقق شهرهای اسلامی پایدار مبتنی‌بر مبانی و ارزش‌های اسلامی در دنیای معاصر می‌پردازد. در نهایت، با توجه به این اصول و معیارهای مطرح‌شده، راهکارهایی کالبدی و اجتماعی جهت دستیابی به شهر اسلامی پایدار پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، توسعهٔ پایدار، پایداری اجتماعی و کالبدی، شهر اسلامی پایدار.

۱. مقدمه

شهر نه‌تنها یک موجودیت فیزیکی است، بلکه می‌توان آن را نماد یک امر حادث‌شدهٔ اجتماعی دانست؛ ازطرف دیگر، به عقیدهٔ برخی دانشمندان شکل بیرونی و نمای شهر را می‌توان بازتابی از هنجارهای همان عصر و مقتضیات عقیدتی آن به‌شمار آورد. دین مبین اسلام نیز، به‌عنوان دینی جهان‌شمول و کامل که پاسخ‌گوی تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان است، از همان ابتدای پیدایش با مقولهٔ شهر و شهرنشینی ارتباطی نزدیک داشته است، تا جایی که جایگاه و اهمیت شهر در قرآن کریم به‌عنوان اصیل‌ترین و جامع‌ترین منبع معارف اسلامی بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

رواج تعبیر «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان، به‌ویژه «شهر اسلامی» نامیده‌شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین، با این فرض که این شهرها گاه تجلّی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی به‌صورت کالبدی بوده‌اند و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز هستند، از قرن نوزدهم میلادی و به‌وسیلهٔ مستشرقان آغاز شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). اما سوای این دیدگاه محدود مستشرقان از تعریف شهر اسلامی، این شهرها را می‌توان عصاره و ماحصل قرن‌ها تعامل ارزش‌ها و باورهای اسلامی، رفتارهای مسلمانان و تطابق محیط ساخته‌شده برای انطباق هرچه بیشتر با این مبانی فکری، ارزشی و رفتاری دانست. تطابقی که پس از معرفی ایده‌های نو و مدرن در اروپا به این کشورها و شروع دورهٔ استعماری از یک‌سو و اشتیاق و عطش نوسازی و تغییر در ساختار شهرها و معرفی الگوهای جدید و مدرنیزاسیون برون‌زا و تحمیلی روز کم‌رنگ‌تر شد. ماحصل این تغییر و تحول فشرده در ساختار شهری شهرهایی بود که از یک‌سو

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

با فرهنگ و ارزش‌های جامعه انطباق نداشـــت و ازســـوی دیگر، سرچشمهٔ بسیاری از مشکلات و توسعه‌های ناپایدار شهری، به‌ویژه در کلان‌شهرهای این مناطق، شد.

ازطرفی در غرب، پس از تجربیات مختلف نوســـازی شهرها و درس‌گرفتن از تأثیرات مخرب نگاه تک‌بعدی و تکنولوژیک، در دههٔ ۷۰ قرن بیســـتم دیدگاه جدیدی با عنوان توسعهٔ پایدار و از آن پس شـــهر پایدار، با بیان یک‌سری اصول و مفاهیم سعی در گسترش حوزه‌های شهرسازی مبتنی‌بر شـــهرهای خوداتکا و معماری انسان‌گرا داشت که ضمن تأمین ســـلامتی و رضایت ساکنان باعث ارتقای مســـائل اقتصادی، اجتماعی و محیطی شود و برای نسل‌های آتی نیز حفاظت شود. دغدغهٔ ساخت اجتماعات پایدار با روابط انسانی پایدار مختص جوامع غربی نیست و در تاریخ تمدن‌های شرقی ازجمله کشورمان، ایران نیز به‌چشم می‌خورد. دین اسلام با نگاهی خاص به مفهوم اجتماع، توجه ویژه‌ای به شـــهر دارد و با ترسیم شمایل یک شـــهر مطلوب، خود را آمادهٔ پذیرش بهترین‌های تمدن‌های پیش از خود کرده اســـت تا جایی که اســـتفاده از کلیهٔ دستاوردهای فرهنگی‌ـهنری ملل تابعه را، تا جایی که با مبانی اسلام مغایرت نداشته باشد، بلامانع می‌داند.

هدف از این نوشـــتار کنکاش در تشـــابهات میان اصول شهر اســـلامی و مفاهیم توسعهٔ پایدار و ارزیابی میزان موفقیت هر یک در بســـتر زمان اســـت؛ همچنین، ارائهٔ اصـــول و راهکارهایی برای تحقق یک شـــهر اسلامی پایدار در عصر حاضر نیز مورد توجه این پژوهش است. شناخت دقیق و موشـــکافانهٔ اجتماعات پایدار در گذشته، چه در کشور ما و چه تجربه‌شده توسط سایر اجتماعات، چراغ راهی برای جلوگیری از اشـــتباهات جبران‌ناپذیر در تجربیات شهرسازی معاصر و حمایت از آن دســـته الگوهایی است که با نیازهای انســـان انطباق کامل داشته باشد. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که میان مفاهیم شهر اسلامی و توجه آن به رویکردهای پایداری و مقولهٔ توسعهٔ پایدار نقاط اشتراک و افتراقی وجود دارد و مقالهٔ حاضر درپی بیان آن است.

۲. روش تحقیق

مقالهٔ تحقیقی حاضر پژوهشـــی بنیادی اســـت که نگاهِ حاکم بر آن در تمام بخش‌ها تحلیل‌محور اســـت که البته در کنار آن از ابزار توصیف و تطبیق داده‌ها نیز بهره برده شـــده است. در بیان پیشینهٔ تاریخیِ شـــهر اســـلامی، رویکرد توصیفی تحلیلی موردتوجه قرار گرفته و در تبیین ســـاختار آن از رویکرد تطبیقی تحلیلی مبتنی‌بر داده‌های کتابخانه‌ای اســـتفاده شده است که ارتباط مفاهیم مطرح در شهرهای اسلامی با مفاهیم اجتماعی و کالبدی مطرح در توسعهٔ پایدار مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است و در پایان، در قالب دو جدول نیز ارائه می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۳. مبانی نظری

۳ـ۱. شهر اسلامی

برای تعریف شـــهر اســـلامی رویکردها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که این شهرها را به لحاظ سیاسی، کالبدی، فرهنگی وغیره تعریف کرده‌اند. در یک تعریف می‌توان گفت که شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می‌شود که در ســـرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشئت‌گرفته از دین اسلام ایجاد شـــده یا رشد یافته‌اند. شهرنشینی و شـــهرهای اسلامی، دوره‌ای مشخص و محدود (چهارده قرن پیش تاکنون) را دربر می‌گیرد و با کمال شـــگفتی بر پهنه‌ای بســـیار وســـیع در سه گوشهٔ جهان کم‌وبیش مهم و باستانی گســـترش یافته است. این شهرها در ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی متأثر از حاکمیت فرهنگ اسلامی یا حکومت‌های اسلامی اشـــتراک زیادی دارند. ازنظر محققان، تنها قرارگرفتن شهرهای مورد بررســـی در حیطهٔ فرمانروایی مسلمانان، برای اطلاق شهر اسلامی کافی نیســـت و شناخت وجوه تمایز بین شهر اسلامی و شهرهای قدیمی در سرزمین‌های اسلامی و سایر شهرهای خارج از قلمرو اسلامی نیز مورد توجه است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹). شهر اسلامی شهری اســـت که دارای هویت ویژهٔ فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است. این هویت فرهنگی و تاریخی و تمدنی نه‌تنها در مذهب، اخلاق، علم و تفکر بلکه در روابط فضایی و هویت شـــهری نیز ملحوظ اســـت و از تجســـمی عینی و خارجی و تعریف‌شـــده برخوردار است، تجلیگاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انســـان است، جهان‌بینی ســـازندهٔ خویش را معرفی می‌کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند گواهی می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۵۸).

۳ـ۱ـ۱. ویژگی‌های شهر اسلامی و ابعاد اجتماعی و کالبدی آن

شـــهرهای اسلامی در کشـــورهای متعدد تحت‌تأثیر عوامل محیطی، اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از تنوع برخوردارند ولی عوامل وحدت‌بخش آن‌ها شـــامل مســـجد، مدرسه، دارالعماره، بازار وغیره، به‌عنوان وجه مشترک همهٔ آن‌ها، در این شهرها خودنمایی می‌کنند.

اگر شهرســـازی را علـــم و هنر به نظم درآوردن و شـــکل‌دادن به محیط زندگی انســـان بدانیم، ویژگی‌هـــای چنین نظمی در تفکر اســـلامی عبارت‌انـــد از: وحدت در کثرت، تعـــادل، زیبایی، هماهنگی، تـــوازن، اندازه، حد و حریـــم، نوگرایی و نوجویی، هویت و سلســـله‌مراتب (نقی‌زاده، ۱۳۸۵).

به‌طور کلی، شهر اسلامی علاوه‌بر موقعیت طبیعی (توپوگرافی) محلی و ویژگی‌های کالبدی، بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی عام جامعه نیز بسیار مؤثرند که در ادامه (در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

راستای اهداف مقاله) به بیان این عوامل و شاخص‌ها در دو بخش کلی اجتماعی و کالبدی پرداخته می‌شود.

۳ـ۱ـ۲. ابعاد اجتماعی شهر اسلامی

۱. هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی ســروکار داشــته باشد از کاربری مسکونی جداست و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز است.
۲. تأمین نیازهای مشترک انســانی و فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی پایه و اساس شهر اسلامی است.
۳. سازمان اجتماعی جامعهٔ شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی‌بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خواستگاه‌های قومی و همخونی مشترک استوار است.
۴. منازل درون‌گرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است.
۵. شــهر به واحدهای خودفرمان (و گاهاً در تضاد با هم) به نام محلات تقسیم شده است که این محلات شامل زیرمحلات، برزن، کوی و کوچه است.
۶. مردم در ســاخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام‌المنفعه نظیر اموال وقفی مشــارکت دارند.
۷. طبقات اجتماعی به‌صورت مجزا در شــهر دیده نمی‌شــود و فقیر و غنــی در خانه‌های با اندازه‌های متفــاوت در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اســلامی مبتنی‌بر مساوات و برابری و نیز محکم‌بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می‌کنند.
۸. میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعهٔ اسلامی زیاد است.
۹. وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی (امت واحده) را شکل داده است.
۱۰. بنابر رعایت عدالت اجتماعی و برابری و برادری در جامعه، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی می‌شود و به طبقات محروم اجتماع توجه می‌شود.
۱۱. اساس تفکر اسلام بر اصل توحید است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان شهر اسلامی را شهر تجلی توحید نامید. بر این اساس، شهر اســلامی تجلیگاه وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت است.
۱۲. عدالــت از دیگــر اصول مطرح در جامعهٔ اســلامی و از صفات اصلی شــهر اســلامی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

به‌شـــمار می‌رود. هدف پیامبران الهی نیز برپایی عدل و قســـط در جامعه است (فرجام و دیگـــران، ۱۳۹۰؛ پوراحمد و موســـوی، ۱۳۸۹؛ نقی‌زاده، ۱۳۷۷؛ همو، ۱۳۸۹؛ ســـلخی خسرقی، ۱۳۸۹).

۳ـ۱ـ۳. ابعاد کالبدی شهر اسلامی

۱. محـــلات متجانـــس، بهره‌مند از امکانات برابـــر و به دور از هرگونـــه قطب‌بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته‌اند.
۲. در ساخت فضاها و ابنیه بر رعایت مقیاس انسانی تأکید شده است.
۳. سلســـله‌مراتب و نظم در ســـاختار شهری رعایت می‌شـــود. به‌طوری که دو راستای اصلی شـــهر در جهات اربعه اســـت و در محل تلاقی آن‌ها میدان تشکیل می‌شود که اطراف این میدان دیوان‌ها، مسجد جامع و بازار قرار می‌گیرد. همچنین، امکانات و تسهیلات موردنیاز ســـاکنان به سهولت و در حداقل زمان در دســـترس آن‌ها قرار دارد (با کمترین میزان آمد و شد).
۴. محلات خودمختارند و توسط کدخدا یا نایب اداره می‌شوند.
۵. بافت شـــهریْ فشرده و دارای تراکم بالاســـت که در آن مجموعه‌سازی از ساخت تک بناها مهم‌تر تلقی می‌شود.
۶. محلات به‌صورت بســـته و دارای مرز و حریم قابل تشـــخیص هستند که گاه دارای دیوار و دروازه هستند.
۷. هر محله دارای یک حرفهٔ مخصوص و صنف متعلق به آن است که در سطح محله‌ای ایجاد موقعیت شغلی می‌کند.
۸. هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله است که فضاهای عمومی در آن جای می‌گیرند.
۹. مساجد در نقش فضاهای چندمنظوره عمل می‌کند و کارکردهایی نظیر عبادت، ادارهٔ شهر، دادرسی، اعلان خبر و تدریس به خود می‌گیرد.
۱۰. بـــرج، بارو و دروازه منجربـــه ایجاد فضاهای امن و دور از بزهکاری می‌شـــود (محلات دروازه‌دار موجب دشواری ورود غریبه‌ها می‌شود).
۱۱. شـــهر از انواع خانه‌ها، اعم از خانه‌های خصوصی، خانه‌های گروهی، کاروان‌سراها، ربع وغیره تشکیل شده است.
۱۲. خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی جهت حفظ محرمیت اهل خانه است (احمدی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

دیسفانی و آبادی، ۱۳۹۰؛ حبیبی، ۱۳۸۷؛ دانش، ۱۳۸۹؛ سلخی خسرقی، ۱۳۸۹؛ ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹، حبیبی).

۳ـ۲. توسعهٔ پایدار، ملاک‌ها و معیارها

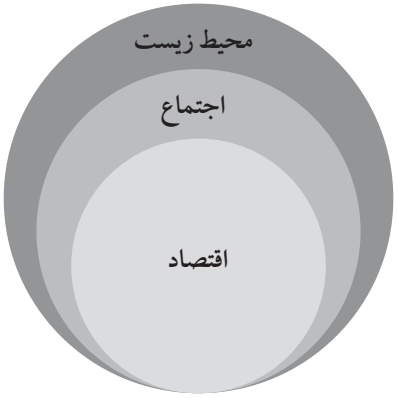
تعبیر توسعهٔ پایدار متشکل از دو واژهٔ «توسعه» (Development) و «پایدار» (Sustain-able) است. این واژه در اواخر قرن بیستم مطرح شد. به‌طور کلی، هدف از «توسعه» تجدید سازمان کل نظام اقتصادی و اجتماعی است، به‌نحوی‌که در این فرایند، علاوه‌بر بهبود سطح زندگی، دگرگونی‌های اساسی در نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی و مدیریت و در نهایت، در رفتارهای گوناگون انسان پدیدار شود. چگونگی تجدید سازمان اقتصادی و اجتماعی و نیز روابط حاکم بر آن‌ها تابعی از فلسفهٔ فکری و نحوهٔ تفکر برنامه‌ریزان و سیاستمداران توسعه و درنتیجه انسان‌هاست.

توسعهٔ صنعتی که در حدود نیمهٔ قرن نوزدهم آغاز شد درنهایت به تخلیهٔ منابع و بروز مسائل محیط زیست مهمی که قبلاً سابقه نداشت منجر شد و فعالیت‌های صنعتی باعث بروز مشکلات آلودگی در سطح و طیف وسیع محلی و منطقه‌ای، میان‌منطقه‌ای و جهانی شد. گستردگی و شدت بهره‌برداری‌های انسان از منابع طبیعی کرهٔ زمین، طی قرن بیستم به بروز صدمات چشمگیری بر اجزای اصلی تشکیل‌دهندهٔ بیوسفر، برای مثال جو (اتمسفر)، پوشش گیاهی، اراضی و تنوع زیستی منجر شده است. نگرانی از این امر موج جدیدی از مفاهیم اعتراضی را به دنبال داشت؛ تا جایی که مفهوم توسعهٔ پایدار توسط گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعهٔ سازمان ملل (کمیسیون برانتلند) با عنوان «آیندهٔ مشترک ما» در ۱۹۸۷ میلادی عمومیت پیدا کرد. گزارش برانتلند توسعهٔ پایدار را این‌چنین تعریف می‌کند: «رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان» (موسوی، ۱۳۸۱: ص ۲۷).

پیتر هال مفهوم اصلی توسعهٔ پایدار شهری را «شکلی از توسعهٔ امروزی که توان توسعهٔ مداوم شهرها و جوامع شهری نسل آینده را تضمین کند» معرفی می‌کند (Hall, 1993: P22).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]



نمودار ۱. دیدگاهی از اجتماعات پایدار قوی به‌صورت دوایر متحدالمرکز که در آن ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسط عامل محیطی احاطه شده‌اند (Ott,k. 2003)

سنگ بنای یک آیندهٔ پایدار را می‌توان رعایت دو حقوق دانست: توجه به سهم داخل نسلی (بین حقوق صاحبان سرمایه و فقرا درحال‌حاضر) و بین نسلی (بین نسل حال و آینده) (Al-Jayyousi, 2014: P 16).

بنابر نظر موهان موناسینگ، تنها در گرو ارتباط متقابل سه عامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که می‌توان یک شهر پایدار و انسانی داشت؛ شهری که در آن تمامی شهروندان احساس رضایت داشته باشند (Mohan Muna Singhe, 1993: P 2) که این الگو در نمودار ۱ نشان داده شده است.

۳ـ۲ـ۱. توسعهٔ پایدار از دیدگاه اجتماعی‌فرهنگی

یک نظام اجتماعی پایدار به یک برابری در توزیع دست یافته است که خدمات اجتماعی ازجمله بهداشت و آموزش همگانی را در حد نیاز تأمین کند و به ارزش‌هایی نظیر برابری جنسی، ثبات سیاسی و مشارکت جمعی دست یابد (هریس، ۱۳۸۳: ص ۴۳). منزلت و جایگاه محیط اجتماعی، بسیار فراتر از منزلت و جایگاه محیط فیزیکی جامعه است. جامعه به غیر اینکه شامل محل زندگی است، افرادی را هم که در آن زندگی می‌کنند دربر می‌گیرد؛ بنابراین، جوامع نباید تنها ازنظر زیست‌محیطی پایدار باشند، بلکه ازنظر اجتماعی هم باید پایدار باشند .(Hancock, 2001: P 202)

توسعهٔ پایدار اجتماعی توسعه‌ای است که نیازهای پایه شامل غذا، مسکن، آموزش، کار، درآمد، شرایط زندگی و کاری سالم را برآورده کند؛ عدالت‌طلب باشد، بدین معنا که منافع توسعه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

را به‌صورت برابر بین اعضـــای جامعه توزیع کند، رفاه فیزیکی، فکری و اجتماعی جمعیت را ارتقا دهد یا حداقل ازبین نبرد؛ باعث ارتقای آموزش، خلاقیت و توسعهٔ منابع انسانی بالقوه شود؛ میراث فرهنگـــی و بیولوژیک جامعه را حفـــظ کند؛ بنابراین، بنیان‌های تاریخی و زیســـت‌محیطی مردم و جشـــن‌ها و اعیاد را تقویت کند؛ آن‌چنان که مردم زمینه‌های زندگی مســـالمت‌آمیز و حمایت افراد جامعه از یکدیگر را بگســـترانند؛ مردم‌سالار باشـــد، به این معنی که مشارکت و دخالت شهروندان را در امـــور جامعه افزایش دهد؛ محیط قابل زیســـت فراهم کند، به این معنی که رابطهٔ بین شـــکل مکان‌های عمومی شـــهر و آسایش اجتماعی، معنوی و فیزیکی ســـاکنان آن شهر برای برنامه‌ریزان شهر مدنظر قرار گیرد.

ازنظر اجتماعی، توســـعه‌ای پایدار خواهد بود که جوامعی همگن و همبسته را ایجاد کند و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ترمیم شود. این آرمان درصورتی تحقق خواهد یافت که اراضی شهری و تخصیص منابع و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی به‌طور برابر و حداقل همراه با مساوات نسبی صورت گیرد (موســـوی کاظمی و شـــکویی، ۱۳۸۱: ص ۳۱). انعکاس این اصول را می‌توان در شهرسازی اروپا با عنوان نوزایی شـــهری و مفاهیمی چون مسکن مشارکتی و دهکدهٔ شهری و در امریکا نیز با عناوینی چون محلهٔ پایدار شـــهری، اجتماعات فشرده، توسعهٔ محلهٔ سنتی (TND) و توسعهٔ حمل و نقل‌محور (TOD) ردیابی کرد (سلخی خسرقی، ۱۳۸۹).

۳ـ۲ـ۲. شاخص‌های تأثیرگذار بر پایداری شهری در بعد اجتماعی

۱. توسعهٔ آموزش و ارتقای سطح فرهنگ زیست‌محیطی در بین عموم مردم؛
۲. فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه‌های مختلف شهری؛
۳. وجود گروه‌ها و اجتماعات با اهداف و ارزش‌های مشابه؛
۴. مالکیت شخصی مسکن و نیز طویل‌بودن مدت اقامت ساکنان آن؛
۵. کوچک‌بودن اجتماعات و همبسته‌بودن آن‌ها؛
۶. اتکا به جامعهٔ مدنی و ایجاد شـــرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و ادارهٔ امور محلی (ترویج مشـــارکت و دخالت شـــهروندان/ ســـاختار مردم‌سالارانه)؛
۷. جانمایی انواع خانوارها و گوناگونی جمعیت ساکن در بافت؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۸. میزان ارتباط بین ساکنان شهر (ارتباطات عاطفی، اجتماعی، مادی وغیره)؛
۹. جوامع همبسته و همگن و اجتماعات محلی منسجم و قوی؛
۱۰. عدالت اجتماعی و برابری درون‌نسلی و بین نسلی؛
۱۱. حفاظت از منابع طبیعی و جنگل‌ها و همچنین، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر؛
۱۲. ترویج فرهنگ صرفه‌جویی مردم در استفاده از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر (موسوی کاظمی، ۱۳۸۰؛ مهدیزاده، ۱۳۸۹؛ قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵؛ هریس، ۱۳۸۳؛ دارابی، ۱۳۷۹؛ موسوی کاظمی و شکویی، ۱۳۸۱).

۳ـ۲ـ۳. توسعهٔ پایدار از دیدگاه کالبدی‌ـعملکردی

ازنظر کالبدی، توسعهٔ پایدار شهری یعنی تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینهٔ مسکن، حمل‌ونقل، اوقات فراغت و غذا وغیره به‌عمل می‌آید تا در طول زمان، شهر را ازنظر زیست‌محیطی قابل سکونت و زندگی را ازنظر اقتصادی بادوام و ازنظر اجتماعی همبسته نگه دارد؛ به‌نحوی که این تغییرات تکنولوژیکی حفظ اشتغال، مسکن و شرایط زیست‌محیطی مناسب را دربر داشته باشد (Mukomo, 1996: P 266). در بحث کالبد غالباً تعیین کاربری‌های مناسب شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که به دلیل اهمیت و تعیین‌کننده بودن زمین، نیاز به برنامه‌ریزی خاصی دارد.

۳ـ۲ـ۴. شاخص‌های مؤثر بر پایداری کالبدی شهرها

۱. توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن‌ها؛
۲. توجه به مقیاس انسانی در طراحی شهرها؛
۳. سلسله‌مراتب دسترسی و سهولت دسترسی مردم؛
۴. اجتماعات خوداتکا و مسکن خودمختار؛
۵. هدایت توسعهٔ کالبدی شهر به‌صورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل‌ونقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) در راستای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه‌های بی‌رویه؛
۶. حریم مشخص (دروازه و مرزهای جغرافیایی) و وجود مرکزیت (میادین و مراکز محلات)؛
۷. ایجاد کاربری‌ها و موقعیت‌های شغلی در مقیاس محله؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۸. وجود عملکردها و امکانات مهم در مرکز و در دسترس همگان؛
۹. فضاهای عمومی تعریف‌شده و چند منظوره؛
۱۰. فضای قابل دفاع و کنترل و عاری از بزهکاری؛
۱۱. تأمین مساکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره‌ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا)؛
۱۲. ایجاد سازوکار خلوت محیطی (موسوی کاظمی، ۱۳۸۰؛ مهدیزاده، ۱۳۸۹؛ قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵؛ هریس، ۱۳۸۳؛ دارابی، ۱۳۷۹؛ موسوی کاظمی و شکویی، ۱۳۸۱).

۳ـ۳. جایگاه دین و مذهب در مبانی توسعهٔ پایدار

با گذشت بیش از سه دهه از پیدایش دیدگاه توسعهٔ پایدار و بسط و گسترش مبانی و اصول آن در ابعاد مختلف جوامع شهری و نتایج مفیدی که رعایت این اصول در حفظ منابع طبیعی و کاهش عواقب منفی توسعه‌های اقتصادمحور و فاوستی داشته است، فلسفه و پارادایم فکری در پس این دیدگاه محل بحث و مناقشه است. از نظریه‌های علمی و اثباتی که در حوزه‌های اکولوژیک و محیط زیستی مطرح است که بگذریم، آنچه ارزش و مبنای هنجاری این رویکرد را شکل داده است در نهایت، به برخی نگاه‌های اخلاق‌گرایانه درخصوص طبیعت و محیط زیست (Eco-centric) و عدالت‌مبنا (Justice) ختم می‌شود (Loukola, and Kyllönen: P 2005) . اگر بخواهیم رابطهٔ شهرسازی اسلامی را با توسعهٔ پایدار تبیین کنیم بایستی جایگاه دین و مذهب را در این رویکرد ارزیابی کنیم. امروزه اغلب جوامع مذهبشان را حداقل به‌صورت ظاهری حفظ می‌کنند و از آموزه‌های دینی که شامل اصول جهان‌شناسی و جهان‌بینی وابسته به محیط است پیروی می‌کنند. مذهب می‌تواند به‌عنوان یکی از معتبرترین سیستم‌های اخلاقی درنظر گرفته شود؛ ازاین‌رو، مذهب نیازمند یک نقش جهت رویارویی با نیازمندی‌های اخلاقی زیست‌محیط است. اصول توسعهٔ پایدار یک مفهوم خالی از مذهب است که برای تفسیرهای مختلف مذهبی در دسترس است؛ باوجود این، نقش مذهب در ارتقای نقش توسعهٔ پایدار به‌عنوان اخلاقیات جهانی زیست‌محیطی مورد توجه است (Zuhdi Marsuki, 2009: P 31).

در گزارش برانتلند نقش مذهب در توسعهٔ پایدار نادیده گرفته شده است؛ به‌جز موردی که به دانش زیست‌شناسی سنتی در جوامع مدرن می‌پردازد (WCED, 1987: p 12). همچنین، مذهب هیچ جایگاهی در اجلاس سران در ریو دوژانیرو و نیز اسناد UNCED نداشت تا اینکه در اجلاس ژوهانسبورگ در ۲۰۰۲ نقش مذهب توجه زیادی را به خود جلب کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

کراپیوین و واروتســوز در ۲۰۰۷ بیان کردند که بعد معنوی توسعهٔ پایدار تنها در WSSD که تمرکز بر روی ابعاد معنوی حقیقت انســان بود مورد بحث قرار گرفت. این دو نفر پیشــنهاد کردند که مذهب نقش مهمی در توضیح اساســی‌ترین موضوعات مرتبط با توســعهٔ پایدار ازقبیل موارد زیر ایفا می‌کند:

۱. چگونگی درک ما از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و مکان ما در این جهان؛

۲. چگونگی ارتباط اعتقادات و نگرانی‌های سنتی دین با درک حقایق علمی؛

۳. چگونگی کمک دانشمندان و علما به رفاه جامعهٔ بشری.

بیشتر این موارد مربوط به جهان‌بینی است که در آن مذهب منحصراً به حمایت از اجرای توسعهٔ پایدار مربوط می‌شــود. دین می‌تواند نقش مشــارکتی فراتر از حمایت داشته باشد و چون در قلب مردم جای دارد می‌تواند باعث ایجاد انگیزه در مردم برای انجام یک تعهد شود (Zuhdi Marsuki, 2009: P 31).

در این زمینــه (Taylor, 2006: P 604) اعــلام می‌دارد که مردم در سراســر جهان، علی‌رغم جهان‌بینی‌هــا و منافع ملی متفاوت و گاهاً ناســازگار، ممکن اســت در نگهداری از زیســت کره به‌صورت متحد عمل کنند.

۳ـ۴. توسعهٔ پایدار از دیدگاه اسلام

مفهوم توســعهٔ پایدار توجه بســیاری از دانشمندان مســلمان را به خود جلب کرده است؛ در میان نخستین دانشمندان، انصاری در ســال ۱۹۹۴ بود که مقالهٔ خود با عنوان «دیدگاه اسلام در توسعهٔ پایدار» را به چاپ رســاند. همچنین، ایزی دین و حســن و چاچی صادق نیز مقالاتی در این زمینه به چاپ رساندند.

به اعتقاد حســن، اصولاً اســلام با مفهوم توسعهٔ پایدار مخالف نیســت؛ زیرا در میان اهداف «مقاصد» شریعت، اتصال نیازهای انسان نسل کنونی با نسل آینده وجود دارد. درست مانند اهداف توســعهٔ پایــدار (Hasan, 2006). در تأمین پایداری، منابع طبیعی کــه ضروریات زندگی را فراهم می‌کننــد باید مورد محافظت قرار گیرند؛ به‌طوری‌که بهره‌بــرداری از آن‌ها در یک راه پایدار امکان پذیرد. پس اسلام به‌طور یکسان به امنیت نیازهای بشر و حفظ محیط زیست توجه داشته است.

در اجلاس ســران در ژوهانسبورگ، کشورهای مســلمان اجازه یافتند تا تعریف و چهارچوب خود را برای توســعهٔ پایدار پیشنهاد دهند. پس از آن کنفرانســی با عنوان «چهارچوب کلی دستور کار کشورهای اسلامی برای توسعهٔ پایدار» در جدهٔ عربستان جهت ارائهٔ پیشنهادهای اسلامی برای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

توسعهٔ پایدار ارائه شد که در آن دو موضوع زیر پیشنهاد شد:

۱. تشـــویق جامعهٔ مدنـــی در تدوین و اجرای اســـتراتژی‌ها و برنامه‌ها برای توســـعهٔ پایدار و حفاظت از محیط زیست؛

۲. تشویق سازمان‌های مردم‌نهاد و تدوین قانون ارتقای مشارکت آن‌ها در توسعهٔ پایدار.

از دیدگاه اسلام مشارکت جامعهٔ مدنی در حفاظت از محیط زیست به‌عنوان بخشی از «حسبه» درنظر گرفته شده است که دانشمندان معاصر در پاسخ به موضوعات زیست‌محیطی بیشتر دربارهٔ آن توضیح می‌دهند (Zuhdi Marsuki, 2009: P 34).

توســـعهٔ پایدار می‌تواند به‌عنوان یک تئوری اخلاق زیســـت‌محیطی جهانی درنظر گرفته شود. اجرای سیاســـت‌های پایداری مانند جنگل‌داری پایدار و کشاورزی پایدار می‌تواند مصداق عمل به اخلاق محیط زیست باشد.

به منظور ارتقای توسعهٔ پایدار به اخلاق جهانی محیط زیست دو روش وجود دارد:

۱. به اشتراک‌گذاری نظام اخلاقی در یک اجتماع کلی که همان مفهوم توسعهٔ پایدار است؛

۲. همانندسازی اصول مشترکی از مفاهیم در زمینه‌های مختلف نظام اخلاقی جهان.

مورد دوم برای کشورهای اسلامی مناسب‌تر است، زیرا همان‌طور که اشاره شد، اسلام رویکرد خاص خود را جهت دستیابی به توسعهٔ پایدار دارد (Ibid: pp 35&36).

به‌نظر می‌رســـد در توسعهٔ پایدار محیط و طبیعت جایگاه ویژه و محوری دارد و تعادل بین بازار (اقتصاد) و طبیعت یا همان تعادل توسعه و حفظ منابع موضوعی کلیدی است؛ حال آنکه در دیدگاه اسلام طبیعت خود ودیعه و امانتی است در اختیار انسان برای تعالی و رسیدن به مدارج کمال.

جدول ۱. ابعاد مختلف پایداری در اسلام از دیدگاه الجیوسی (۲۰۰۸)

میزان (تعادل)	**اجتهاد (نوآوری)**	ارحام (سرمایهٔ اجتماعی)
حکمت	ظرفیت، نسبت، بوم، اجتماع	**مصلحت (منفعت عمومی)**
تسبیح (ستایش و دعا)	**عدل (عدالت)**	حسن (زیبایی)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

الجیوسی اصول دیگری را نیز برای تعریف پایداری از منظر اسلام به شرح زیر معرفی می‌کند:

- **اصل اول:** اصل «فطرت» (ذات و طبیعت) و شـــامل تلاش برای بالابردن بهره‌وری منابع، ارتقای عملکرد چرخه‌های طبیعی، به‌کارگیری درآمدها و نه سرمایه، بازیافت مداوم منابع تجدیدناپذیر، گرایش به مدیریت کالاهای بادوام وغیره است.
- **اصل دوم:** اصل «میزان» به معنای محاســبهٔ خدمات جهت حفظ اکوسیســتم اســت که شامل افزایش هم‌زمان اشــکال اصلی سرمایه (طبیعی، انسانی، اجتماعی، تولیدی و مالی)، هماهنگی اقتصاد با ظرفیت بازسازی طبیعت، اخذ سیاست‌های مالیاتی وغیره است.
- **اصل سوم:** اصل «امم» (امت‌ها) به معنای احترام جوامع به یکدیگر است که شامل برداشت در حد ظرفیت بازســازی، الگوهای استفاده از زمین برای کاهش تجاوز بشر در دیگر اشکال زندگی و افزایش تنوع زیستی در مناطق زیستگاه بشر وغیره است.
- **اصل چهارم:** اصل «امت واسطه» به معنای یک جامعهٔ جهانی مبتنی‌بر صداقت و اعتماد متقابل افراد اســت. این اصل شامل ارتقای پرورش افراد به‌عنوان سنگ بنای اجتماع، حفظ حقوق بشر و رعایت حقوق شهروندی، حکمروایی خوب، اطمینان از دسترسی عادلانهٔ افراد به منابع و افزایش حس همکاری به‌عنوان اساس مدیریت جهانی است.
- **اصل پنجم:** اصل «تســبیح و سجود» به معنای فهم نظم و هماهنگی موجود در جهان که شامل تصدیق رمز و راز الهی (عالم غیب)، درک اشرفیت انسان نسبت‌به مخلوقات دیگر، تحول درونی افراد و افزایش شفقت مابین آن‌ها وغیره است.
- **اصل ششم:** اصل «وحدت در عین کثرت» به معنای مرکزیت توحید در تمامی فعل و انفعالات جهان است.

برای مفهوم سازی و تحقق پایداری وحدت یکپارچهٔ این شش اصل ضروری می‌نماید تا در نهایت موجب به‌وجودآمدن یک زندگی مطلوب و حیات طیبه شود (Al-Jayyousi, 2014: PP 17-19).

جدول زیر (جدول ۲) معیارهای هر دو رویکرد شهرســازی اسلامی و توسعهٔ پایدار را در ابعاد کلیدی پایداری نشان می‌دهد(Mansor et al, 2013: P 83).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

جدول ۲. معیارهای شهرسازی اسلامی و توسعهٔ پایدار در ابعاد کلیدی پایداری

	ابعاد کلیدی پایداری		
موضوع	**اجتماع**	**اقتصاد**	**محیط زیست**
توسعهٔ پایدار	ـ همه‌شمولی اجتماعی ـ توسعهٔ اجتماع ازطریق آموزش ـ تهیهٔ زیرساخت‌ها، امکانات وسکونت ـ دستور کار محلی ۲۱، مشارکت‌عمومی	ـ موفقیت شغلی ـ ایجاد سلامتی ـ مبارزه با فقر	ـ مدیریت منابع طبیعی ـ توسعهٔ منابع تجدیدپذیر ـ حفظ و نگهداری از منابع طبیعی
شهرسازی اسلامی	ـ شورا؛ کلید سیاست‌های تصمیم‌گیری ـ مصلحت عمومی؛ مفهومی برای تعریف یک پایداری جامع ـ مسئولیت اجتماعی ـ توحید، عدل و احسان، اختیار، فرض ـ اصول اسلامی شامل: *مقام برابر انسان و برابری و برادری *عدم تمرکز ثروت و دارایی *درآمدها به‌دست افراد اندکی باشد.	ـ حذف طبقات اجتماعی ازطریق اقتصاد درست ـ استفادهٔ بهینه از منابع اعطایی خدا به انسان و محیط فیزیکی‌اش ـ اجماع، قیاس و اتحاد ـ توحید، عدل و احسان ـ مدیریت بهینه برحسب شوری، مسئولیت و جواب‌گویی ـ اثربخشی و سودمندی، به‌هم‌پیوستگی ـ فقدان فساد و تبعیت تام از علایق گروه‌ها و اجتناب از اصول فرعی	ـ اصل لاضرر و لاضرار در اسلام ـ پارادایم توحیدی ـ خدمت به زمین؛ نقش مهم بشریت ـ اصلاح نفس توسط مسلمانان جهت حفظ انسانیت در ارتباط با دنیای غیرانسانی ـ پاکیزگی ـ عدم افراط و تفریط

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، هر دو رویکرد در بعضی موارد جهت‌گیری‌های مشابهی نسبت‌به ابعاد پایداری دارند اما شایان ذکر است که انتهای تمامی مباحث توسعهٔ پایدار همیشه به سه مولفهٔ محیط زیست، اقتصاد و اجتماع ختم می‌شود؛ درحالی‌که محوریت رابطهٔ انسان با خدا و نقش دین در تنظیم رابطه بین انسان، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع نادیده انگاشته می‌شود. پس می‌توان این‌گونه بیان کرد که در پارادایم توسعهٔ پایدار مبانی نظری به‌طور کامل و واضح مشخص نشده است و ازنظر دین اسلام این مبانی باید بازتعریف شود.

۳ـ۵. مقایسهٔ تطبیقی مؤلفه‌های شهر اسلامی با شاخص‌های شهر پایدار

پیرو مطالب گفته‌شده در دو بخش قبل، در این قسمت سعی بر آن است تا مقایسهٔ تطبیقی میان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

شاخص‌های شهر اسلامی و شهر پایدار صورت گیرد؛ این بررسی در دو بخش اجتماعی و کالبدی صورت گرفته و در پایان در قالب دو جدول ارائه شده است که در آن‌ها به نقاط اشتراک و افتراق بین مؤلفه‌های این دو تعریف از شـــهر اشاره خواهد شـــد؛ به‌ویژه که اهداف غایی در شکل‌گیری رابطهٔ انسان با شهر و طبیعت در این دو تعریف متفاوت است (نگارندگان با تلخیص از منابع).

۱. در شـــهر اســـلامی، باورهای فرهنگی به تفکیک زندگی خصوصی و عمومی تأکید دارد و طرح شهری بر جدایی این دو قلمرو شکل گرفته است. درنتیجه، هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی ســـروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جداست و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز است. این درحالی است که در توسعهٔ پایدار و به‌ویژه شـــهر پایدار بر ایجاد شرایطی برای ارتقای سطح فرهنگ محیطی مردم و نیز توجه خاص به این فرهنگ تأکید شده است.

۲. در شـــهر اسلامی، انسان شأن و مقام والایی دارد و تجاوز به حریم خصوصی و خانوادگی افراد ممنوع و مذموم اســـت. بر این اســـاس، تأمین نیازهای مشـــترک انسانی و فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی پایه و اساس یک شهر اسلامی اســـت. این مطلب در مفاهیم شـــهر پایدار نیز به این صورت بیان شده است: فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه‌های مختلف شهری.

۳. در شـــهر اسلامی، ســـازمان اجتماعی جامعهٔ شهری براســـاس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی‌بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خواســـتگاه‌های قومی و همخونی مشترک استوار است. تشابهات فرهنگی، خواســـتگاه‌های قومی و همچنین، همخونی میان افراد منجربه تشکیل اجتماعات یا اصنافی با تشـــابهات ملی، مذهبی و جغرافیایی شـــده اســـت و این درحالی است که در مفاهیم توسعهٔ پایدار و شهر پایدار هم بر وجود گروه‌ها و اجتماعات با اهداف و ارزش‌های مشابه در جامعهٔ شهری تأکید شده است.

۴. در شـــهر اســـلامی منازل درون‌گرا و مناســـب برای زندگی چندین نســـل پیاپی است. در خانه‌های سنتی شهر اسلامی، حضور فرزندان در خانواده حتی بعد از تشکیل زندگی سبب شده است که در منازل به‌صورت دیرپا، گاه برای چندین نسل پی‌درپی زندگی جریان داشته باشد. در شـــهر پایدار نیز این طویل‌بودن مدت اقامت در منازل و نیز بر مالکیت شخصی آن‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفته اســـت؛ هرچند که خانواده‌ها دیگر گسترده نیستند و به سمت خانواده‌های هسته‌ای وغیره پیش می‌روند.

۵. شـــهر اسلامی به واحدهای خودفرمان به نام محلات تقســـیم شده است که این محلات

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

خود شـــامل زیرمحلات، برزن، کوی و کوچه می‌شود که به‌صورت مستقل از یکدیگر (و گاه در تضاد با هم) عمل می‌کند و حتی در برخی موارد مســـجد و بازار مخصوص به خود را نیز داشـــته‌اند. این درحالی است که توسعهٔ پایدار نیز وجود جوامع کوچک و همبسته در شهر را جهت حفظ پایداری ضروری می‌داند.

۶. در شـــهر اسلامی، مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام‌المنفعه نظیر اموال وقفی مشـــارکت دارند. ساخت استخوان‌بندی اصلی شهر و معابر و گذرهای اصلی اغلب توســـط حکومت انجام می‌گرفت؛ اما ساخت محلات و کوچه‌ها و بن‌بست‌ها توسط مردم و با مشـــارکت آن‌ها صورت می‌گرفت. همچنین، فرهنگ وقف در جوامع اسلامی، سبب به‌وجود آمدن بناهایی عمومی شـــده اســـت که حضور مردم را منجر می‌شود. مساجد نیز نقشی حضورپذیر داشتند و گاه تصمیمات مهم محلی در مساجد گرفته می‌شد. در توسعهٔ پایدار نیز ایـــن مفاهیم به‌صورت اتکا به جامعهٔ مدنی و ایجاد شـــرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و ادارهٔ امور محلی «ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ ساختار مردم‌سالارانه» مطرح شده است؛ درحالی‌که کانون‌های دیگر جایگزین کانون‌های مذهبی برای تعامل و ارتباط شهروندان نشده‌اند.

۷. در شهر اسلامی، طبقات اجتماعی به‌صورت مجزا در شهر دیده نمی‌شود و فقیر و غنی در خانه‌های با اندازه‌های متفاوت، در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی‌بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم‌بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هـــر محله) زندگی می‌کنند. این اصل نیز در مفاهیم توســـعهٔ پایدار به‌صورت گوناگونی جمعیت ســـاکن و نیز جانمایی انواع خانواده‌ها، مورد توجه قرار گرفته است؛ هرچند که در عمل سایهٔ بازار همواره بر توسعه‌های شهری و شکل‌گیری مناطق شهری سنگینی می‌کند.

۸. میزان تماس بین افراد به‌دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعهٔ اســـلامی زیاد است. اسلام بر اخوت مسلمانان تأکید دارد؛ چنان‌که آن‌ها را برادر می‌خواند و بر تحکیم روابط بین آن‌ها تأکید خاص می‌ورزد. این تماس بین ساکنان و کمک‌های مادی، عاطفی و نیز مصاحبت و پشتیبانی اجتماعی، جزء شاخص‌های مطرح در توسعهٔ پایدار است.

۹. در شهر اسلامی، وحدت مسلمانان اجتماع همگن و منسجمی را شکل داده است. اسلام این اجتماعات منســـجم را امت واحده می‌نامد که در میان آن‌ها نظام کاستی وجود ندارد و اتحاد و انسجام حکمفرماست. مشاهده می‌شود که در میان مفاهیم توسعهٔ پایدار، به وجود

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

جوامع همگن و همبسته به‌صورت منسجم، سالم و قوی، اهمیت خاصی داده می‌شود.

۱۰. در شهر اسلامی، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی شده است و به طبقات محروم اجتماع توجه می‌شود. اسلام برتری افراد را در مکنت و ثروت نمی‌بیند و معیار برتری را بر تقوا می‌نهد. پس تمام افراد را ازنظر اجتماعی برابر می‌بیند و دستور به رعایت عدالت در میان آن‌ها می‌دهد. این مفاهیم برابری و عدالت در جامعهٔ اسلامی سبب توجه خاص مسلمانان به افراد نیازمند و طبقهٔ فرودست به‌عنوان برادر شده است. مفهومی که در توسعهٔ پایدار نیز به‌صورت برابری اجتماعی، عدالت اجتماعی و نیز برابری بین نسل‌ها و درون نسل‌ها مطرح می‌شود.

۱۱. شهر اسلامی تجلیگاه تفکر توحیدی است. این تفکر در شهر به‌صورت وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت دیده می‌شود. این اصل وحدت شهر و طبیعت، در شهر پایدار هم به‌صورت اصل حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی دیده می‌شود، اما تفاوت عمده در آن است که در شهر اسلامی طبیعت امانتی الهی و ابزاری برای کمال انسانی است؛ درحالی‌که در شهر پایدار طبیعت خود به یک پدیدهٔ مستقل و ارزشمند به‌خودی‌خود (Eco Centric) تبدیل می‌شود و یا در نهایت، برای رفع نیازهای آتی انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱۲. از صفات شهر اسلامی عدالت است. تجلی عدالت در شهر، پایداری را به همراه دارد؛ ازسویی پرهیز از افراط و تفریط نیز منجربه پایداری می‌شود. جوهرهٔ عدالت، حس مسئولیت نسل کنونی در برابر آیندگان است و صرفه‌جویی در مصرف منابع از وظایفی است که توسعهٔ پایدار بر آن تأکید دارد (همان).

۳ـ۶. مقایسهٔ تطبیقی مؤلفه‌ها در بعد کالبدی‌ـعملکردی

۱. در شهر اسلامی، محلات متجانس، بهره‌مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب‌بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. اسلام هرگونه تبعیض و فخرفروشی انسان‌ها را ممنوع اعلام کرده است. این اعتقاد در کالبد محلات و شهرها نیز باید نمود پیدا کند. همچنین، موقعیت و جهت‌گیری کالبدی محلات باید به‌گونه‌ای باشد که دسترسی به امکانات به‌صورت برابر برای همهٔ افراد ممکن باشد. بر همین منوال، در مفاهیم شهر پایدار نیز شاهد توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن‌ها هستیم که مصداق آن را می‌توان در مفاهیم مطرح برای شهر اسلامی مشاهده کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۲. یکی از اصول مطرح در کالبد شـــهرهای اســـلامی توجه به مقیاس انســـانی فضاها و ابنیه است. در شهر اســـلامی کالبد هماهنگ با ویژگی‌ها و توانایی‌های انسان شکل می‌گیرد و خود را به انســـان تحمیل نمی‌کند. رعایت مقیاس انســـانی در توسعهٔ پایدار نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

۳. شـــبکهٔ ارتباطی و دسترسی در شهر اسلامی به‌گونه‌ای است که ساکنان در حداقل زمان به مکان موردنظر دسترسی داشـــته باشند. همچنین، نظم در ساختار شهری رعایت می‌شود. به‌طوری‌که دو راســـتای اصلی شـــهر در جهات اربعه اســـت و در محل تلاقی آن‌ها میدان تشکیل می‌شود که اطراف این میدان دیوان‌ها، مسجد جامع و بازار قرار می‌گیرد. این مفهوم در توسعهٔ پایدار نیز به‌صورت «توجه به سلســـله‌مراتب دسترسی جهت سهولت دسترسی مردم» مطرح شده است.

۴. بافت شهری شهر اسلامی فشرده و دارای تراکم بالاست که در آن مجموعه‌سازی از ساخت تک بناها مهم‌تر تلقی می‌شـــود. در توسعهٔ پایدار نیز هدایت توسعهٔ کالبدی شهر به‌صورت متراکم و فشـــرده (افزایش تراکم ســـاختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل و نقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) و در راستای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه‌های بی‌رویه مورد توجه بوده است.

۵. محلات شـــهر اسلامی به‌صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص‌اند که گاه دارای دیوار و دروازه هستند. در اسلام حفظ مرزها و حریم‌ها محترم شمرده می‌شود (البته وجود دیوار و دروازه ازلحاظ امنیتی و دفاعی نیز مورد توجه اســـت). توســـعهٔ پایدار نیز بر حفظ حریم‌های قابل تشخیص و مرزهای تاریخی و جغرافیایی توجه خاص دارد.

۶. در شهر اسلامی، هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله است که فضاهای عمومی در آن جـــای می‌گیرند. توجه به تمرکز امکانات محلی و عملکردهای عمومی در کانون محله نیز از اصول مطرح در توسعهٔ پایدار به‌شمار می‌رود.

۷. مســـاجد شـــهر اســـلامی در نقش فضاهای چندمنظوره عمل می‌کند و کارکردهایی نظیر عبادت، ادارهٔ شهر، دادرســـی، اعلان خبر و تدریس را در خود جای می‌دهد. مصداق این امر را در مفاهیم توســـعهٔ پایدار می‌توان به‌صورت تأکید بـــر وجود فضاهای عمومی چند نقشی و چند منظوره با کارکرد اجتماعی بالا جست.

۸. شهر اسلامی از انواع خانه‌ها، اعم از خانه‌های خصوصی، خانه‌های گروهی، کاروان‌سراها، ربع وغیره تشـــکیل شده اســـت. مصداق این امر در توســـعهٔ پایدار، تأمین مساکن متنوع و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره‌ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا) است.

منازل در شهرهای اسلامی دارای دو بخش اندرونی و بیرونی است که اندرونی مختص اهل خانه و بیرونی برای پذیرایی از مهمانان استفاده می‌شود. این توجه به محرمیت در ساخت خانه‌های اسلامی در توسعهٔ پایدار نیز به‌صورت ایجاد سازوکار خلوت محیطی مطرح شده است. با توجه به آنچه در قالب مقایسهٔ تطبیقی مفاهیم شهر اسلامی و توسعهٔ پایدار مطرح شد، می‌توان اصول مطرح‌شده را به‌صورت دو جدول در تناظر یک‌به‌یک و در دو بعد اجتماعی و کالبدی به‌صورت زیر بیان کرد.

جدول ۳. تناظر مفاهیم مطرح‌شده در بعد اجتماعی در شهر اسلامی و شهر پایدار (نگارندگان)

	شهرسازی اسلامی	توسعهٔ شهری پایدار (شهر پایدار)
بعد اجتماعی	۱. متأثر از فرهنگ اسلامی، هرگونه فعالیت اقتصادی که با حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جداست و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز است.	۱. توسعهٔ آموزش و ارتقای سطح فرهنگ زیست‌محیطی در بین عموم مردم و توجه خاص به این فرهنگ.
	۲. تأمین نیازهای مشترک انسانی و فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی.	۲. فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه‌های مختلف شهری.
	۳. سازمان اجتماعی جامعهٔ شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی‌بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خواستگاه‌های قومی و همخوانی مشترک استوار است.	۳. وجود گروه‌ها و اجتماعات با اهداف و ارزش‌های مشابه.
	۴. منازل درون‌گرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است.	۴. مالکیت شخصی مسکن و نیز طویل‌بودن مدت اقامت ساکنان آن.
	۵. شهر به واحدهای خودفرمان و همبسته به نام محلات تقسیم شده است که این محلات خود شامل زیرمحلات، برزن، کوی و کوچه است.	۵. کوچک‌بودن اجتماعات و همبسته‌بودن آن‌ها.
	۶. مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام‌المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند.	۶. اتکا به جامعهٔ مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و ادارهٔ امور محلی (ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ساختار مردم‌سالارانه).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

بعد اجتماعی	۷. طبقات اجتماعی به‌صورت مجزا در شهر دیده نمی‌شود و فقیر و غنی در خانه‌های با اندازه‌های متفاوت در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی‌بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم‌بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می‌کنند.	۷. جانمایی انواع خانوارها و گوناگونی جمعیت ساکن در بافت.
	۸. میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعهٔ اسلامی زیاد است.	۸. ارتقای میزان ارتباط بین ساکنان شهر (ارتباطات عاطفی، اجتماعی، مادی وغیره).
	۹. وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی (امت واحده) را شکل داده است.	۹. جوامع همبسته و همگن و اجتماعات محلی منسجم و قوی.
	۱۰. بنابر رعایت عدالت اجتماعی و برابری و برادری در جامعه، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی می‌شود و به طبقات محروم اجتماع توجه می‌شود.	۱۰. عدالت اجتماعی و برابری درون نسلی و بین نسلی؛
	۱۱. اساس تفکر اسلام بر اصل توحید است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان شهر اسلامی را شهر تجلی توحید نامید. بر این اساس، شهر اسلامی تجلیگاه وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت است.	۱۱. حفاظت از طبیعت، منابع طبیعی و جنگل‌ها و همچنین استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر.
	۱۲. عدالت از دیگر اصول مطرح در جامعهٔ اسلامی و از صفات اصلی شهر اسلامی به‌شمار می‌رود. عدالت ایجاب می‌کند که در استفاده از منابع، به نفع آیندگان صرفه‌جویی شود.	۱۲. ترویج فرهنگ صرفه‌جویی مردم در استفاده از منابع

جدول ۴. تناظر مفاهیم مطرح‌شده در بعد کالبدی در شهر اسلامی و شهر پایدار (نگارندگان)

	شهر اسلامی	توسعهٔ پایدار(شهر پایدار)
بعد کالبدی	۱. محلات متجانس، بهره‌مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب‌بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته‌اند.	۱. توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن‌ها.
	۲. در ساخت فضاها و ابنیه بر رعایت مقیاس انسانی تأکید شده است.	۲. توجه به مقیاس انسانی در طراحی شهرها.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

	شهر اسلامی	توسعهٔ پایدار(شهر پایدار)
بعد کالبدی	۳. سلسله‌مراتب و نظم در ساختار شهری رعایت می‌شود. به‌طوری‌که دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه است و در محل تلاقی آن‌ها میدان تشکیل می‌شود که اطراف این میدان دیوان‌ها، مسجد جامع و بازار قرار می‌گیرد. همچنین، امکانات و تسهیلات موردنیاز ساکنان، به سهولت و در حداقل زمان در دسترس آن‌ها قرار دارد (با کمترین میزان آمد و شد).	۳. رعایت سلسله‌مراتب دسترسی از سطح کلان تا خرد و سهولت دسترسی مردم.
	۴. محلات خودمختار است و توسط کدخدا یا نایب اداره می‌شوند.	۴. اجتماعات خوداتکا و مسکن خودمختار.
	۵. بافت شهری، فشرده و دارای تراکم بالا است که در آن مجموعه‌سازی از ساخت تک بناها مهم‌تر تلقی می‌شود.	۵. هدایت توسعهٔ کالبدی شهر به‌صورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل‌ونقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) در راستای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه‌های بی‌رویه.
	۶. محلات به‌صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص‌اند که گاه دارای دیوار و دروازه هستند.	۶. حریم مشخص (دروازه و مرزهای جغرافیایی، تاریخی وغیره).
	۷. هر محله دارای یک حرفهٔ مخصوص و صنف متعلق به آن است که در سطح محله‌ای ایجاد موقعیت شغلی می‌کند.	۷. ایجاد کاربری‌ها و موقعیت‌های شغلی در مقیاس محله.
	۸. هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله است که فضاهای عمومی در آن جای می‌گیرند.	۸. وجود مرکزیت (میادین و مراکز محلات)، وجاگیری عملکردها و امکانات مهم در مرکز و در دسترس همگان.
	۹. مساجد در نقش فضاهای چندمنظوره عمل می‌کند و کارکردهایی نظیر عبادت، ادارهٔ شهر، دادرسی، اعلان خبر، تدریس وغیره به خود می‌گیرد.	۹. ایجاد فضاهای عمومی تعریف‌شده و چندمنظوره.
	۱۰. برج، بارو و دروازه منجربه ایجاد فضاهای امن و به دور از بزهکاری می‌شود (محلات دروازه‌دار موجب دشواری ورود غریبه‌ها می‌شود).	۱۰. ایجاد فضای قابل دفاع و کنترل و عاری از بزهکاری.
	۱۱. شهر از انواع خانه‌ها، اعم از خانه‌های خصوصی، خانه‌های گروهی، کاروان‌سراها، ربع وغیره تشکیل شده است.	۱۱. تأمین مساکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره‌ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا).
	۱۲. خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی جهت حفظ محرمیت اهل خانه است.	۱۲. ایجاد سازوکار خلوت محیطی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۴. راهکارهایی جهت تحقق شهر اسلامی و پایدار در عصر حاضر

۱. اختلاط کاربری‌ها و جانمایی درست کاربری‌های مسکونی در کنار سایر کاربری‌ها و همچنین، ایجاد شرایطی برای تأمین نیازهای روزانهٔ ساکنان در یک محلهٔ مسکونی؛

۲. مکان‌گزینی کاربری‌های همه‌شمول ازقبیل فضای سبز، تجاری، خدماتی وغیره در تمامی سطح شهر، به‌نحوی‌که امکان دسترسی تمامی افراد فراهم باشد؛

۳. توجه به محلات و اجتماعاتی که دارای ارزش‌ها و خواستگاه‌های مشترک است و انجام اقداماتی برای حفظ یکپارچگی آن‌ها ازقبیل توجه به عناصر شاخص و تقویت آن‌ها؛

۴. ایجاد امکان مالکیت دائم افراد در منازل مسکونی و کاهش مالکیت موقت و اجاره‌نشینی؛

۵. تأمین فرصت‌هایی برای مداخلهٔ مردم در ادارهٔ محلهٔ مسکونی خود و همچنین، تقویت حس تعلق افراد با اجازهٔ مداخلهٔ آن‌ها در مکان؛

۶. عدم اختصاص کامل یک منطقه به قشری خاص از جامعه و ایجاد محیطی مطلوب برای دسترسی تمام اقشار اجتماعی؛

۷. ایجاد فضاهایی باز نظیر میدانچه در محلات مسکونی برای تقویت حضور ساکنان در سطح محله و ایجاد تعاملات اجتماعی؛

۸. توجه به محرمیت و عدم اشرافیت منازل مسکونی ازطریق تعریف نظام ارتفاعی مناسب؛

۹. حفاظت از منابع طبیعی محیط با تعریف حریم‌ها و قوانین خاص و حفظ آن‌ها برای نسل‌های آینده؛

۱۰. ایجاد فضاهای متناسب با مقیاس انسانی و رعایت تناسبات در فضاها؛

۱۱. رعایت سلسله‌مراتب دسترسی در گذرها و معابر برای سهولت دسترسی؛

۱۲. تقویت مشارکت مردم در ادارهٔ امور محل جهت رسیدن به خوداتکایی در محلات؛

۱۳. استفاده از تراکم ساختمانی و جمعیتی متناسب با مقیاس محله درعین رعایت اصل محرمیت و عدم اشرافیت.

۱۴. حفظ ارزش‌های تاریخی-فرهنگی؛

۱۵. ایجاد فضاهای چندعملکردی در مقیاس محله برای گذران اوقات فراغت ساکنان محله؛

۱۶. توجه به نظارت اجتماعی در فضا و ایجاد محیطی امن با تقویت چشمان ناظر به فضا؛

۱۷. ایجاد مساکن متنوع و متناسب با نیاز و درخواست هر یک از اقشار مختلف جامعه.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد با مقایسهٔ تطبیقی شاخص‌های اجتماعی و کالبدی توسعهٔ پایدار شهری با مفاهیم مطرح در شهرسازی اسلامی به نکات اشتراک و افتراق این دو رویکرد پرداخته شود؛ شایان ذکر است که در مبانی اسلامی نگاه به طبیعت و محیط زیست انسان نیز موج می‌زند که بحث درخصوص این بعد از توسعهٔ پایدار از حوصلهٔ این مقاله خارج بود. در دین اسلام طبیعت آیینه و نشانه و ودیعه‌ای برای انسان شناخته می‌شود[1] و در ادبیات و عرفان ایرانی برگ درختان سبز آیینه‌ای برای معرفت کردگار شناخته می‌شود و این نگاه با دیدگاه طبیعت‌محور و اکوسنتریک توسعهٔ پایدار، که طبیعت را جای خداوند قرار می‌دهد، از بنیان متفاوت است.

شهر اسلامی با ویژگی‌های یادشده در ابعاد اجتماعی و کالبدی، از نوعی منطق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبعیت دارد که این امر می‌تواند تجربه‌های آموزنده‌ای برای روش‌های نظام‌مندی و برنامه‌ریزی مدرن به‌شمار آید. این شهر واجد اصول و صفاتی است که ریشه در مفاهیم اسلامی دارند. شایان ذکر است علی‌رغم شباهت‌های ظاهری مابین اصول شهر پایدار در ادبیات موضوعی شهرسازی معاصر و اصول شهر اسلامی، هدف غایی و مبانی فکری این دو با هم یکسان نیست و هر دو نیاز به بازتعریف و تبیین مجدد دارند.

آنچه با تطابق میان مقوله‌های شهر پایدار و مفاهیم شهر اسلامی می‌توان نتیجه گرفت آن است که لازمهٔ دستیابی به شهر پایدار همان اصول بنیادی شهر اسلامی است. بی‌شک تمدنی که برای همهٔ عرصه‌های تعالی انسان مسلمان، رهیافت‌های کارآمدی دارد برای محوری‌ترین عرصه‌های زیست مادی و معنوی انسان نمی‌تواند گفتنی‌های درخور توجهی نداشته باشد؛ به‌عبارت دیگر، برای برون‌رفت از تنش‌ها و تفرق‌هایی که امروزه شهرهای ما به آن مبتلا شده‌اند، تحقیق ژرف در اصول اعتقادی دین اسلام ضروری و باارزش است. آنچه مهم است درک این مطلب است که شهرهای امروز ما چقدر از اصول و مفاهیم مطرح در شهر اسلامی برخوردارند؟ مشاهدهٔ معضلات و گرفتاری‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سیاسی در شهرهای کشورهای اسلامی حکایت از عدم اجرای دقیق دستورات اسلامی و یا استفادهٔ ابزاری از آن دارد. بر این اساس، باید تلاش شود تا با رجعت به این مفاهیم در ابعاد جامعه و نیز کالبد شهرها، در ساخت مورفولوژیک شهرهای خود تجدیدنظر کرد و پایداری شهرهایمان را، که در فرهنگ اسلامی پیشینه‌ای به بلندای چهارده قرن دارد و درجوامع غربی هنوز به یک قرن نیز نرسیده است، تضمین کنیم.

۱. «إِنّا جَعَلْنا ما عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَها لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷): «زمین را آراستیم تا شما را بیازماییم و ببینیم کدام‌یک به نیکی رفتار می‌کنید».

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

کتابنامه

۱. احمدی دیسفانی، یداله؛ آبادی، محمد علی. ۱۳۹۰. «**کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشهٔ اسلامی**». فصلنامهٔ علمی پژوهشی باغ نظر. زمستان. سال هشتم. شمارهٔ ۱۹.

۲. پوراحمد، احمد؛ موسوی، سیروس. ۱۳۸۹. «**ماهیت اجتماعی شهر اسلامی**». فصلنامهٔ علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. زمستان. شمارهٔ ۲.

۳. حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۷. **از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ نهم.

۴. دارابی، علی. ۱۳۷۹. «**توسعهٔ پایدار مفاهیم و محدودیت‌ها**». فصلنامهٔ مسکن و انقلاب. شمارهٔ ۸۹.

۵. دانش، جابر. ۱۳۸۹. «**مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی**». فصلنامهٔ علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. پاییز. شمارهٔ اول.

۶. رحیمی، حسین. ۱۳۸۴. «**در جست‌وجوی شهر اسلامی پایدار**». پیک نور. سال پنجم. شمارهٔ ۲. صص ۹۷-۹۰.

۷. سلخی خسرقی، صفا. ۱۳۸۹. «**تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلامشهرهای تاریخی ایران**». اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی. اسفند ۱۳۸۹.

۸. سلطانی، علی؛ دشتی، علی. ۱۳۸۹. «**از شهر اسلامی تا شهر پایدار؛ تبیین ویژگی‌های مشترک**». اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، اسفند ۱۳۸۹.

۹. ضرابی، اصغر؛ علی‌نژاد طیبی، کاووس. ۱۳۸۹. «**تحلیلی بر عناصر و کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی**». کتاب ماه هنر. مرداد. شمارهٔ ۱۴۳.

۱۰. فرجام، رسول؛ سلیمانی مقدم، هادی؛ چاوشی، اسماعیل. ۱۳۹۰. «**مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی**». فصلنامهٔ برنامه‌ریزی منطقه‌ای. سال اول. تابستان. شمارهٔ ۲.

۱۱. قرخلو، مهدی؛ حسینی، سید هادی. ۱۳۸۵. «**شاخص‌های توسعهٔ پایدار شهری**». مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای. بهار و تابستان. شمارهٔ ۸.

۱۲. لقایی، حسنعلی؛ محمدزاده تیتکانلو، حمیده. ۱۳۷۸. «**مقدمه‌ای بر مفهوم توسعهٔ شهری پایدار و نقش برنامه‌ریزی شهری**». مجلهٔ هنرهای زیبا. دانشگاه تهران. زمستان. شمارهٔ ۶.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

۱۳. ملکی، سعید. ۱۳۹۰. **درآمدی بر توسعهٔ پایدار شهری**. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
۱۴. موریس، جیمز. ۱۳۸۱. **تاریخ شکل شهر**. جلد دوم. ترجمهٔ راضیه رضازاده. تهران: جهاد دانشگاهی علم و صنعت.
۱۵. موسوی کاظمی، سید مهدی؛ شکویی، حسین. ۱۳۸۱. «**سنجش پایداری اجتماعی توسعهٔ شهر قم**». پژوهش‌های جغرافیایی. شمارهٔ ۴۴. صص ۴۱ـ۲۱.
۱۶. موسوی کاظمی، سید مهدی. ۱۳۸۰. «**توسعهٔ پایدار شهری مفاهیم و دیدگاه‌ها**». فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی. شمارهٔ ۵۲۰. صص ۱۱۳ـ۹۴.
۱۷. مهدی‌زاده، جواد. ۱۳۸۹. «**مبانی و مفاهیم، شاخص‌های توسعهٔ پایدار**». فصلنامهٔ جستارهای شهرسازی. سال نهم. بهار. شمارهٔ ۳۱. صص ۱۶ـ۹.
۱۸. ناری قمی، مسعود. ۱۳۸۹. «**مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی**». مجلهٔ هنرهای زیبا. پاییز. شمارهٔ ۴۳.
۱۹. ناصر اسلامی، علی؛ مورینی، ماسیمو. ۱۳۷۵. «**پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی**». ترجمهٔ مجید محمدی. مجلهٔ آبادی. ویژهٔ شهر اسلامی. سال ششم شمارهٔ ۲۲.
۲۰. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۷. «**صفات شهر اسلامی در متون اسلامی**». مجلهٔ هنرهای زیبا. زمستان و بهار۱۳۷۷ و ۱۳۷۸. شمارهٔ ۴ و ۵.
۲۱. ــــــــــ ۱۳۷۹الف. «**فرهنگ اسلامی و توسعهٔ پایدار شهری**». فصلنامهٔ مدیریت شهری. سال اول. بهار. شمارهٔ ۱.
۲۲. ــــــــــ ۱۳۷۹ب. «**توسعهٔ پایدار، شهر سالم و فرهنگ ایرانی**». مجلهٔ مسکن و انقلاب. پاییز و زمستان. شماره‌های ۹۶ـ۹۵.
۲۳. ــــــــــ ۱۳۸۵. **معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)**. اصفهان: انتشارات راهیان.
۲۴. ــــــــــ ۱۳۸۹. «**تأملی در چیستی شهر اسلامی**». فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. پاییز. شمارهٔ اول.
۲۵. هریس، جاناتان ام. ۱۳۸۳. «**اصول اساسی توسعهٔ پایدار**». ترجمهٔ رستم صابری‌فر. مجلهٔ سپهر. زمستان. شمارهٔ ۵۲.
26. Al-Jayyousi, O R. 2014. "**Islam And Sustainable Development: New Worldview**". Journal Of Islamic Studies Advance Access. published march 24, 2014.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

27. Hall, p .1993. "**Toward Sustainable, Liveable And Innovative Cities For 21st Century**". In Proceeding Of The Third Conference Of The World Capitals.Tokyo. pp22-28.

28. Hancock, T. 2001. "**Towards healthy and sustainable communities**". Health environment and economy at the local level. Quebec Klienburg, Ontario.

29. Hasan, Zubair. 2006. "**Sustainable Development from an Islamic Perspective: Meaning, Implications and Policy Concern**". JKAU: Islamic Econ. 19 (9). PP 3-18.

30. Jansen, L. 2003. "**The challenge of sustainable development**". Journal of cleaner production.Vol.11.

31. Loukola,O and Kyllönen, Simo. 2005. "**The philosophies of sustainability**". Extracted from http://www.helsinki.fi/metsatieteet/tutkimus/sunare/21_Loukola_Kyllonen. pdf.

32. Mansor et. al. 2013. "**Reconceptualizing the Sustainable Development Key Dimensions with the Islamic Built Environment Principles**". Kulliyyah of Architecture and Environmental Design, IIUM.

33. Mukomo, S. 1996. "**O Sustainable Urban Development**". in Sub-saharan Africa, cities. pp 256-271.

34. Munasinghe, Mohan. 1993. **Environmental Economics And Sustainable Development**. The world bank: Washington D.C

35. Ott, K. 2003. "**The Case for Strong Sustainability**". In: Ott, K & P. Thapa (eds).

36. Greifswalds Environmental Ethics. 2009. **Greifswald: Steinbecker Verlag Ulrich Rose**. ISBN 3931483320. Retrieved on: 2009-02-16.

37. Taylor, Bron. 2006. "**Religion and Environmentalism in America and Beyond**" in The Oxford Handbook Book for Religion and Ecology. ed. Roger S. Gottlieb. Oxford: Oxford University Press.

38. The World Commission on Environment and Development (WCED). 1987. **Our Common Future**. Oxford and New York: Oxford University Press.

39. Zuhdi Marsuki, M. 2009. "**RELIGIOUS AGENDAS TOWARDS SUSTAINABLE DEVELOPMENT: AN ISLAMIC PERSPECTIVE**". Malaysian Journal of Science and Technology Studies. vol 7. PP 22-38.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.5.3]
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]